

دکتر منوچهر سپهریان

هیپنوتیزم و خدماتش به عالم پزشکی

سحر تنها شامل اعمال نیست بلکه پدید آورنده افکار و حاوی نظریات و موجد فرضها میباشد و هدف ساحر شناخت امور و معرفت در آن نیز هست و مشاهدات، تحقیق در آثار تفکر در امور آنها بی تردید مددبزرگی به بسط دایره معارف امروز کرده است آنهنگام که افکار عمومی بیکباره اعتقاد باعمال ساحرانرا خرافات پرستی و موهوم دوستی تلقی کرده و گروه کثیری باتهام ارتباط با شیاطین طعمه آتش شدند بالطبع برخاطرات هیپنوز هم خاکستر فراموشی نشست تا زمانیکه ویردینگ

Wirding پرفسور رستک **Rostock**

(پایه‌گذار منیتیسیم حیوانی) و بعضی دیگر تحقیقات در این باره را نو کردند هرچند که از تهومات درامان نمانده حقه زن‌ونیرنگ بازوریاکار نام گرفتند ولی عالم تهمت را برای علم میخرد .

در ۱۸۴۲ جیم برد **J. Braid**

جراح منچستری که خود از مخالفین سرسخت هیپنوتیزم بشمار بود معتقد بان شد تا آنجا که سرسلسله جنبان مکتب

تاریخچه - قدمت هیپنوز بنا بعقیده پرفسور کولر **Culère** از زمانی است که بشر متشکل و خانه‌گیر میشود آنها که در **Totème** (قبایل بسیار کوچک بسیار قدیمی) جنبه ساحری و جادوگری داشتند مبدع و بنیانگذار هیپنوتیزم بشمارند سحر بمعنی عام مجموع اعتقاداتی است که قوای نامرئی رادر حیات انسانی و زندگی اخلاقی و عملی افراد موثر می‌شمارند ذهن مردم ابتدائی و متمدن بادوشیوه تفکر متباین ذاتا بدنبال همند در غیر آن ظهور علما و تسلسل علم قطع میشود

مناسک سحری بخلاف مناسک

دینی متغیر و ناپایدار است و بتدریج باتجربه و مشاهده مقرون میگردد ستاره شناسی-پزشکی و بسیاری دیگر ماخذ سحری دارند کلمه عربی طب نیز بمعنی جادو است .

فنون اول دردایره سحر و دردامان

ساحران پرورش یافته و بتدریج جنبه غیبی و مرموز آن حذف شده و بر مبنای آزمایش استوار گردیده است .

- بردیسم گردید و طرفدارانش آنچنان
مبالغه کردند که مدعی بودند شخص
بخواب رفته تحت نیروی ملکوتی خواب
کننده از نامه تاشده و کتاب نگشوده
خبر میدهد آینده و گذشته را میگوید
سرگذشت شما و سرنوشت دنیا را
پیش‌بین است .
- در ۱۸۵۹ ولپو Velpeau تحت
عنوان بررسی در زمینه خواب مصنوعی
Un travail sur l'hypnotisme.
در فرهنگستان علوم پاریس کنفرانس داد.
در ۱۸۶۰ دکترلی ئه‌بوئه Liébaut
بامتن « عمل روحی Action du moral
کتابی منتشر کرد .
- در ۱۸۷۸ شارکو Charcot حالت
عصبی مصنوعی و نوز تجربی
Un état nerueux artificiel, une
nerrose experimentale
رابمیان کشید .
- وبهمین ترتیب کاروان پژوهش در
پرداختن و روشن ساختن مکانیزم
هیپنوتیزم همچنان پیش رفت تاویل
هیپنوز را بعضی با دوکلمه جذب
Sympathie و رفع Antipathie خلاصه
کرده‌اند .
- L'aide duquel un individu est jeté dans l'hypnose n'est d'alord qu'une
irritation periferique (d'un sens ou de la peau) ou centrale (par influence
d'une idée ou d'une emotion), essentiellement donc l'hypnotism n'est qu'un
effet ou ensemble d'actes de dynamogenie et d'hinibition 1883
- رumpf در ۱۸۸۰ Rumpf
اغتشاش جریان خون مخ پریر Preyer
۱۸۸۱ در پیداشدن ماده جاذب اکسیژن
دراثر تحریک و کار دماغ در نتیجه
کرخی Engourdissement سلولهای
مغزی میدانند .
- کریانته Carpenter عقاید خود
را براساس این مطلب که کوشش و
کشش فکری قطع اعمال روحی را بدنبال
دارد
Une grande contention d'esprit,
cessation de fonction psychique
خلاصه میکند
- هایدنهایم Heidenhaim برانگیختگی
عصبی را مقدم بروقفه ومکت میداند
چنانکه تحریک زوج دهم دماغی سبب
بازداشت قلب و بولب معلق کننده اعمال
حیاتی خواهد بود .
- برون سکوار Brown Séquard
میگوید سبب بخواب رفتن جز تحریک
محیطی (حساسه‌ای حسی) یا مرکزی
(فکری یا اثری) نمیشد و هیپنوتیزم
بخز عمل یا مجموعه اعمال متناوب تحریک
ووقفه نیست .

از آنجا وقفه عبارتست از بین رفتن موقت یادائم عمل یا فعالیتی در مرکز عصبی یا خود عصب و یا عضله بدون وجود ضایعات عضوی قابل رویت گاهی بلافاصله و زمانی بعد از ایجاد تحریک در نقطه‌ای

L'hiniletion est la disparition momentanée ou pour toujours d'une fonction ou d'une activité dans un centre nerveux dans un nerf ou dans un muscle, arret ayant lieu sans alteration organique visible survenant immédiatement ou à bien peu après la production d'une irritation d'un point du système nerveux plus ou moins éloigné de l'endroit où l'effet s'observe, l'hinibitions est donc un acte qui suspend temporairement ou anéanti définitivement une fonction, une activité.

و پاولف Pawlov میگوید اعمال مخدو جنبه دارد بدنبال هر تحریک وقفه و متعاقب هر وقفه تحریک است دوفرضیه و پسیکوژنر بابینسکی Babinski و Le sujet est complètement à la merci de l'operateur و سربروژنر شارکو هنوز دست‌آمیز جدال است .

تا آنجا که دامنه شناسائی محدود و اراده تحت الشعاع قرار میگیرد و در اینحال شدت پذیرش مجال حصول عالیتین نتیجه را میدهد . نتیجه

La conscience disparaît و ژلی Joly در کتاب تصور و L'imagination چنین میگوید : و Hypnotisme par persuasion

اندک اندک نقصان یافته و نیروی خودکار فکر تخفیف کلی مییابد و Spontanéité psychique est suprime

Le somnambulisme est caracterisé par l'inertie morale des sujets qui partent sur chaque idée qu'on leur fournit.

و برنهایم Bernheim بر این مدعی و خروج و ادارد و تمایل یابد بآن که تحت است که هیپنوتیزه حالت روحی خاصی فکر داده شده واقع گشته و بآن عمل دارا میشود که میتوان برانگیختش تا تلقین پذیری را بدرجات مختلف بفعالیت کند.

Un état psychique particulier Susceptible d'être provoqué, qui met en activité ou exalte à des degrés divers la suggestibilité c'est à dire l'aptitude à être influencé par une idée accepté par le cerveau et à la réaliser.

پیرژانه مکانیزم اثر ادراک تنگی میدان فرعی (و تجزیه فکری خلاصه مینماید . شناسائی) یعنی فقدان افکار بیشمار

Le rétrécissement du champs de la conscience (L'absence des innombrable pensées collatérales) la faiblesse de la synthèse psychologique et la désagrégation mentale.

و بالاخره تمرکز دقت Over attention افکار شخص بخواب رفته ایسرا بسمتی بجائی و تخفیف و ضعف اعمال دماغی کشانید سوای پیشش و در دفع بعضی منتج از آن پایه و اساس فرائض او است. از بیماریها و رفع زشتیها کمکی شایان پس آنقدر دور نماند که بتوان و اثری نمایان کرد پرفسور کولر میگوید:

L'un des fenomènes extraordinaire de cette phase c'est la possibilité de faire perdre à un somnambulique la notion de sa propre personnalité et ce transformera une autre.